

علی اکبر پور جمشیدیان، دبیر ستاد ملی آیین تشییع ووداع بارهبر شهید انقلاب اعلام کرد

جزئیات تشییع رهبر شهید در ایران و عراق

صفحه ۲

تقارکول

نیاز اقتصاد ایران

رضا غنی‌پور در یادداشتی آمارهای اقتصادی کشور را تحلیل می‌کند

آثار افزایش نرخ بهره مُسکن تورم یا سرعتگیر بحران پولی؟

اقتصاد ایران در ماه‌های اخیر بانسانه‌هایی مواجه شده که از ورود به مرحله‌ای تازه از فشارهای تورمی حکایت دارد. آمارهای رسمی نشان می‌دهد رشد نقدینگی به حدود ۴۷.۳ درصد و رشد پایه پولی به ۵۴.۷ درصد رسیده است. هم‌زمان تورم نقطه‌ای نیز به‌نزدیکی ۸۴ درصد نزدیک شده؛

یادداشت - ۱

اهمیت احیای صادرات



حمیدحاج اسماعیلی

به دلیل تحریم‌ها و شرایط خاصی که از ابتدای انقلاب در کشور داشتیم ناگزیر به این سمت رفتیم که در بسیاری از تولیدات به خودتکایی و خودکفایی برسیم و خوشبختانه با اجرای معنویات رهبر شهید در زمینه پایداری امنیت غذایی و اجرای سیاست‌های مدنظر ایشان در حوزه تولیدارزاق و کالاهای اساسی پیشرفت‌های خوبی داشتیم و در حال حاضر حدود ۸۰ درصد خودکفاهستیم. طی چند سال گذشته که با مشکلات تحریمی شدید مواجه بودیم، خصوصا سال گذشته که دچار جنگ و تهدیدات امنیتی شدیم، به خوبی نشان داده شد که نباید در حوزه کالاهای اساسی و ارزاق عمومی وابستگی به خارج داشته باشیم. در دوران کرونا نیز مساله امنیت غذایی بیش از پیش خود را نشان داد، زیرا کمبودهای زیادی اتفاق افتاد و ارزش کالاها و مواد غذایی افزایش پیدا کرد ولی ما با تکلیف ظرفیت‌های داخلی و پایداری و زنجیره تامین تلاش کردیم کمبود ارزاق و کالاهای اساسی را اجبران کنیم و همین امر باعث شد تا در جنگ ۱۲ روزه و جنگ اخیر، آثار مثبت تامین غذایی و خودکفایی را شاهد باشیم.

کنترل تبعات اقتصادی بسته بودن تنگه هرز نیز نشان داد، چون از قبل تدابیر لازم پیش‌بینی و بستر تاب‌آوری اقتصادی فراهم شده بود، کمبودی را شاهد نبودیم، قفسه فروشگاه‌ها مملو از کالا و ما محتاج روزه روزه مردم بود و در حوزه انرژی و بنزین نیز تصمیمات مقتضی گرفته شده بود. رهبر شهید انقلاب در زمینه توسعه زیرساخت‌های کشاورزی، افزایش تولید داخلی و دستیابی به امنیت غذایی پایدار، نگاه راهبردی داشتند و سیاست‌های لازم را برطرف کردند. این سیاست‌ها در عین تقویت، باید مورد بازنگری قرار گیرد و اگر ضعف‌های داریم، برطرف شود. باید بیش از ۸۰ درصد امنیت غذایی در ایران وابسته به تولیدات داخلی باشد. تحقق این هدف مستلزم بهرهوری بخش کشاورزی است. اگر بهرهوری اتفاق بیفتد، امکان صادرات هم به وجود می‌آید و از طریق صادرات، ارزآوری می‌شود و تولیدات ما پایداری و استحکام خود را حفظ می‌کند. بازارهای گسترده‌ای در همسایگی ما هست که می‌تواند برای صادرات محصولات کشاورزی موثر باشد.

در بحث کشاورزی باید به ظرفیت‌های اشتغال این بخش توجه کنیم. در حال حاضر با مشکل بیکاری مواجه هستیم. جوانان آماده به کار زیادی داریم. از سوی دیگر فراغ‌التحصیلان بسیاری در رشته‌های مرتبط با حوزه کشاورزی از قبیل کاشت و برداشت و مهندسی کشاورزی وجود دارد، اما استفاده از توانمندی و کارآفرینی آنها می‌تواند بهرهوری در این بخش‌ها را بالا ببرد. با توجه به پتانسیل‌های بسیاری در زمینه مواد غذایی و تولیدات کشاورزی وجود دارد، اگر بتوانیم از ظرفیت‌های موجود در حوزه کشاورزی به نحو شایسته بهره‌برداری کنیم، ضمن افزایش بهرهوری، زمینه رشد و شکوفایی اقتصادی فراهم می‌شود. در بحث جایگزین کردن مالیات با درآمدهای نفتی، پیشرفت‌های زیادی داشتیم. چند سال است که بیشترین اتکای بودجه به سمت درآمدهای مالیاتی رفته است. البته در یکسال گذشته به دلیل شرایط جنگی، درآمدهای مالیاتی تا حدودی آسیب دید ولی تا قبل از آن، هر سال رشد داشتیم و بیش از ۱۰۰ درصد رشد هم حاصل شده است. با استفاده از امکانات، تکنولوژی و دانش جدید می‌توان در حوزه دامپروری به قدری توسعه پیدا کرد که نفت و چنگنه در ۴ سال گذشته بیش از ۷۰ درصد بودجه جاری کشور از محل درآمدهای مالیاتی بوده و یک‌سوم هم در این حوزه برداشته شده است.

خبر

هشدار برای کاهش تولید

معاون وزیر صمت هشدار داد روند فعلی تامین برق صنعت در نیمه دوم سال به کاهش جدی تولید و بیکاری منجر می‌شود.

سعید شجاعی، معاون برنامه‌ریزی و وزارت صمت با اشاره به وضعیت تامین برق صنایع انرژی‌بر در خرداد ماه گفت: مجموع نیاز برق صنایع انرژی‌بر حدود ۱۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات است که با توجه به کاهش فعالیت برخی واحدها، نیاز واقعی این بخش به حدود ۷ هزار مگاوات رسیده است. از این میزان، تنها ۳۵۳ درصد از طریق شبکه برق تامین شده. حدود ۱۵ درصد از طریق تابلوی برق سبزی و آزاد و ۱۱ درصد نیز از محل خودتامینی صنایع تامین شده است.

وی افزود: بر اساس برنامه اعلامی وزارت نیرو، قرار است در تیر و مرداد تنها ۵۵ درصد برق مورد نیاز صنایع از شبکه سراسری تامین شود و ۸۵ درصد باقی‌مانده از طریق بورس انرژی و سایر روش‌ها تهیه شود؛ پیشنهادی که وزارت صمت آن را نپذیرفته است. شجاعی با اشاره به افزایش شدید قیمت برق اظهار کرد: نرخ مبنای برق صنایع از سال ۱۴۰۰ تا کنون بیش از ۵۰۰ درصد افزایش یافته است. اما هزینه واقعی پرداختی صنایع به دلیل اعمال هشت آیتم مختلف در قبوض برق، به طور متوسط حدود سه برابر نرخ پایه است. در چنین شرایطی، خرید برق از بورس انرژی نیز با جهش قیمتی همراه شده و نرخ معاملات آن حدود ۸ هزار و ۴۰۰ تومان در خرداد، در برخی معاملات تیر ماه به حدود ۱۷ هزار و ۹۰۰ تومان رسیده است.

اقتصاد ایران در ماه‌های اخیر با نشانه‌هایی مواجه شده که از ورود به مرحله‌ای تازه از فشارهای تورمی حکایت دارد. آمارهای رسمی نشان می‌دهد رشد نقدینگی به حدود ۴۷.۳ درصد و پایه پولی به ۵۴.۷ درصد رسیده است. هم‌زمان تورم نقطه‌ای نیز به نزدیکی ۸۴ درصد نزدیک شده؛ سطحی کمتر تجربه شده است. در چنین شرایطی شایعات درباره احتمال افزایش نرخ بهره توسط بانک مرکزی قوت گرفته است. پرسش اصلی این است که آیا افزایش نرخ بهره می‌تواند به تنهایی مسیر تورم را تغییر دهد یا صرفاً نقش یک ابزار موقتی برای کاهش فشارهای کوتاه مدت را بازی خواهد کرد. در نگاه نخست، افزایش نرخ بهره در بسیاری از اقتصادهای یکی از ابزارهای کلاسیک برای کنترل تورم به شمار می‌رود. بالا رفتن نرخ سود می‌تواند تقاضا برای وام را کاهش دهد، رشد اعتبار را محدود کند و بخشی از نقدینگی را به سمت سیرده‌های بانکی بکشاند. اما این اثرات در اقتصادهای تورمی با افزایش نرخ سود، به دلیل وابستگی به صادرات و واردات، با ابهام همراه است. تورم تورم است، اما راه‌های دیگری برای کنترل تورم وجود دارد. در نگاه نخست، افزایش نرخ بهره در بسیاری از اقتصادهای یکی از ابزارهای کلاسیک برای کنترل تورم به شمار می‌رود. بالا رفتن نرخ سود می‌تواند تقاضا برای وام را کاهش دهد، رشد اعتبار را محدود کند و بخشی از نقدینگی را به سمت سیرده‌های بانکی بکشاند. اما این اثرات در اقتصادهای تورمی با افزایش نرخ سود، به دلیل وابستگی به صادرات و واردات، با ابهام همراه است. تورم تورم است، اما راه‌های دیگری برای کنترل تورم وجود دارد.

رضا غنی‌پور

رسیده است. هم‌زمان تورم نقطه‌ای نیز به نزدیکی ۸۴ درصد نزدیک شده؛ سطحی که در سال‌های گذشته کمتر تجربه شده است. در چنین شرایطی شایعات درباره احتمال افزایش نرخ بهره توسط بانک مرکزی قوت گرفته است. پرسش اصلی این است که آیا افزایش نرخ بهره می‌تواند به تنهایی مسیر تورم را تغییر دهد یا صرفاً نقش یک ابزار موقتی برای کاهش فشارهای کوتاه مدت را بازی خواهد کرد. در نگاه نخست، افزایش نرخ بهره در بسیاری از اقتصادهای یکی از ابزارهای کلاسیک برای کنترل تورم به شمار می‌رود. بالا رفتن نرخ سود می‌تواند تقاضا برای وام را کاهش دهد، رشد اعتبار را محدود کند و بخشی از نقدینگی را به سمت سیرده‌های بانکی بکشاند. اما این اثرات در اقتصادهای تورمی با افزایش نرخ سود، به دلیل وابستگی به صادرات و واردات، با ابهام همراه است. تورم تورم است، اما راه‌های دیگری برای کنترل تورم وجود دارد. در نگاه نخست، افزایش نرخ بهره در بسیاری از اقتصادهای یکی از ابزارهای کلاسیک برای کنترل تورم به شمار می‌رود. بالا رفتن نرخ سود می‌تواند تقاضا برای وام را کاهش دهد، رشد اعتبار را محدود کند و بخشی از نقدینگی را به سمت سیرده‌های بانکی بکشاند. اما این اثرات در اقتصادهای تورمی با افزایش نرخ سود، به دلیل وابستگی به صادرات و واردات، با ابهام همراه است. تورم تورم است، اما راه‌های دیگری برای کنترل تورم وجود دارد.

یادداشت - ۳

آثار افزایش نرخ بهره؛ مُسکن تورم یا سرعتگیر بحران پولی؟

وقتی رشد پایه پولی به محدوده نزدیک ۵۵ درصد رسیده و نقدینگی نیز با سرعتی نزدیک به ۵۰ درصد افزایش می‌یابد، افزایش چند درصدی نرخ بهره بیشتر شبیه تلاش برای کاهش سرعت در یک مسیر شتابمندی است. چنین اقدامی ممکن است تا حدی از شدت حرکت بکاهد، اما جهت کلی آن را تغییر نمی‌دهد. به بیان دیگر، تا زمانی که موتور اصلی تولید تورم یعنی رشد سریع پایه پولی و نقدینگی کنترل نشود، سیاست نرخ بهره نمی‌تواند اثر پایدار بر روند تورم بگذارد.

با این حال افزایش نرخ بهره می‌تواند در کوتاه‌مدت بر بازارهای مختلف اثر بگذارد. بازار ارز نخستین بخشی است که به چنین سیگنال‌هایی واکنش نشان می‌دهد. در صورت بالا رفتن نرخ سود، بخشی از سرمایه‌ها ممکن است موقتاً از بازار ارز خارج شود و همین موضوع می‌تواند به ثبات یا اصلاح کوتاه‌مدت نرخ دلار منجر شود. این تغییر به‌طور طبیعی بر بازار طلا نیز اثر می‌گذارد، زیرا بخش قابل توجهی از قیمت طلا در داخل کشور به نرخ ارز وابسته است.

در بازار سرمایه نیز افزایش نرخ بهره معمولاً پیامدهای منفیاتی دارد. از یک سو هزینه تامین مالی شرکت‌ها افزایش پیدا می‌کند و از سوی دیگر ابزارهای درآمد ثابت جذاب‌تری می‌شوند. نتیجه این روند می‌تواند کاهش بخشی از جریان نقدینگی به سمت بورس باشد. به همین دلیل بر بسیاری از موارد سیاست‌های افزایش نرخ سود در کوتاه‌مدت به نفع بازار سرمایه ارزیابی نمی‌شود.

تهران بر دیپلماسی همراه با حفظ منافع ملی تأکید دارد

همچنین می‌تواند سرعت گردش پول را کاهش دهد و به کاهش فشارهای تورمی کمک کند. با این حال اجرای چنین سیاستی بدون هزینه نخواهد بود. اقتصاد ایران در حال حاضر با چند چالش هم‌زمان روبه‌رو است: کسری بودجه دولت، ناترازی ترازنامه بانک‌ها و وابستگی بسیاری از نگاه‌ها به تامین مالی ارزان. افزایش شدید نرخ بهره در چنین ساختاری می‌تواند فشار رکودی قابل توجهی ایجاد کند. بسیاری از شرکت‌ها که با وام‌های ارزان فعالیت خود را ادامه داده‌اند، در مواجهه با نرخ‌های سود بالاتر با مشکلات جدی مواجه خواهند شد. به همین دلیل سیاست نرخ بهره اگر چه می‌تواند بخشی از فشارهای کوتاه‌مدت بازار ارز و تورم را کاهش دهد، اما بدون اصلاحات هم‌زمان در حوزه‌های مالی و پولی اثر پایداری نخواهد داشت. کنترل کسری بودجه، محدود کردن رشد پایه پولی و اصلاح ساختار نظام بانکی از جمله پیش‌شرط‌هایی است که می‌تواند به اثر بخشی سیاست‌های پولی کمک کند.

در نهایت شاید مهم‌ترین شاخص برای درک مسیر آینده اقتصاد ایران نه قیمت دلار یا طلا و حتی شاخص بورس، بلکه روند رشد پایه پولی باشد. تجربه اقتصادهای تورمی نشان می‌دهد بازارها در بازه‌های تورمی با افزایش نرخ سود، با وجود رشد قابل توجه نرخ سود بانکی خواهند بود. سناریوهایی مانند افزایش نرخ بین‌بانکی به محدوده ۴ تا ۵۰ درصد و بالا رفتن نرخ سود سیرده‌ها به سطوح بالاتر از ۴۰ درصد می‌تواند تا حدی رشد اعتبار را کند کرده و بخشی از نقدینگی را از بازارهای دارایی خارج کند. چنین سیاستی

بورس چشم انتظار نتیجه مذاکرات

در چنین شرایطی، آنچه برای یک معامله‌گر اهمیت دارد، رسیدن بازار به ثبات واقعی است؛ نه اینکه صرفاً به دلیل عقب‌ماندگی بازار سهام از تورم، هر سهمی بدون در نظر گرفتن ریسک‌های موجود خریداری شود. با وجود رشد قابل توجه تورم و افزایش قیمت بسیاری از دارایی‌ها، همچنان می‌توان بازار سهام را یکی از جامانده‌ترین بازارهای سرمایه‌گذاری دانست. با این حال، عواملی مانند کسری بودجه دولت، خسارت‌های مستقیم و غیرمستقیم وارد شده به صنایع، محدودیت‌های انرژی برای واحدهای تولیدی و پیامدهای اقتصادی جنگ، این پیام را به سرمایه‌گذاران منتقل می‌کند که شرایط هنوز به وضعیت عادی بازنگشته و مدیریت ریسک باید در اولویت تصمیمات سرمایه‌گذاری قرار گیرد.

همچنین طی روزهای جاری مذاکرات مهمی در جریان است که بدون در دید نتیجه آن می‌تواند بر روند بازار و تصمیم سرمایه‌گذاران تأثیر گذار باشد. توجه به همین دلیل بر بسیاری از موارد سیاست‌های از منظر تکنیکال، در نمودار روزانه شناختی‌ای در الگوی سقف دوقلو همراه با واگرایی منفی مشاهده

«تعادل» از آخرین وضعیت بازار نفت گزارش می‌دهد

مسیر بازگشت نفت ایران به آسیا چهار راهی به نام بانک‌ها

صفحه ۳

«تعادل» روند بازارهای جهانی را بررسی می‌کند

رالی بورس‌های جهانی

بازارهای جهانی سه‌ماهه دوم سال را با عملکردی کم‌سابقه به پایان می‌رسانند. رشد خیره‌کننده سهام شرکت‌های فناوری و هوش مصنوعی، کاهش تنش میان ایران و آمریکا، افت قیمت نفت، بازگشایی مسیرهای کشتیرانی در تنگه هرمز و تغییر انتظارات نسبت به سیاست پولی آمریکا، مجموعه عواملی بوده‌اند که باعث شده شاخص‌های مهم بورس جهان به رکوردهای تاریخی جدیدی دست پیدا کنند. در همین حال، تقویت دلار آمریکا با بازار ارز، طلا و حتی اقتصادهای وابسته به صادرات تحت تأثیر قرار داده است. بازارهای مالی جهان در روزهای پایانی سه‌ماهه دوم سال ۲۰۲۵، یکی - **صفحه ۴ را بخوانید**

شورای شهر تهران قوه قضاییه را به میدان فراخواند

خودروهای نو از آزمون آلودگی رد می‌شوند

جلسه چهارصد و هفدهم شورای اسلامی شهر تهران نیز بیش از آنکه به رایز کارزارهای معمول بپردازد، به صحنه طرح مجموعه‌ای از انتقادهای خلاقانه از قوانین، ضعف‌نظرات و اجرای ناقص قوانین تبدیل شده است. انتقادهایی که مخاطب اصلی آنها قوه قضاییه، دستگاه‌های نظارتی و البته دولت در اجرای قوانین بود. یکی از جدی‌ترین محورهای جلسه، انتقاد از وضعیت اجرای قانون هوای پاک بود؛ قانونی که سال‌ها از تصویب آن می‌گذرد اما همچنان بخش مهمی از تکالیف دستگاه‌های مسئول بر زمین مانده است. مهدی براه‌دی، رییس کمیسیون سلامت، محیط‌زیست و - **صفحه ۵ را بخوانید**

یادداشت - ۴

زنگ خطر فرسایش اعتماد بانکی

اختلال‌های بی‌درپی در شبکه بانکی، دیگر صرفاً یک مشکل فنی یا مقطعی تلقی نمی‌شود. وقتی دامنه اختلالات از چند بانک فراتر می‌رود و مشتریان در دسترسی به حساب‌ها، انتقال وجه یا خدمات روزه به‌مشکل مواجه می‌شوند، مساله وارد مرحله‌ای حساس‌تر می‌شود. مرحله‌ای که مستقیماً با «اعتماد عمومی» که ریشه در اعتماد در اقتصاد مدرن بانکیه بیش از آنکه بر ساختمان سرمایه‌یاحتی ذخایر مالی تکیه داشته باشند، بر اعتماد سیرده‌گذاران استوارند. هر خللی در این پایه می‌تواند پیامدهایی فراتر از یک اختلال فنی به همراه داشته باشد.



محسن عباسی

هر روزهای اخیر، گزارش‌های متعددی از اختلال در خدمات بانکی و حملات سایبری منتشر شده است، خدای که نگرانی‌ها را بر دامنه‌ی امنیت زیرساخت‌های مالی کشور افزایش داده است. شاید در نگاه نخست، این مشکلات برای بخشی از جامعه صرفاً به معنای کندی خدمات بانکداری در انجام تراکنش‌ها باشد، اما در لایه عمیق‌تر، تکرار این وضعیت می‌تواند رفتار اقتصادی مردم را تغییر دهد. اقتصاد پیش از آنکه مجموعه‌ای از اعداد و شاخص‌ها باشد، تاب انتظارات و احساس امنیت شهروندان است. تجربه نظام بانکی در جهان نشان می‌دهد که بحران‌ها اغلب نه از کمبود واقعی منابع، بلکه از گسست اعتماد عمومی آغاز می‌شوند. تا زمانی که مردم مطمئن داشته باشند هر زمان از راه‌کننده سپرده‌های خود دست‌نمی‌دارند، حتی شدیدترین تنش‌ها نیز قابل کنترل است. آمازماتی که این اطمینان تضعیف شود، رفتارهای تغییر می‌کند؛ افراد ترجیح می‌دهند بخشی از دارایی خود را بانک خارج کرده و به اشکال دیگری چرخانی خطرناک برای اقتصاد باشند.

هنوز نمی‌توان از وقوع «هجوم بانکی» یا Bank Panic سخن گفت. شبکه بانکی کشور همچنان فعال است و جریان اصلی خدمات ادامه دارد. با این حال، مساله مهم آن است که بحران اعتماد معمولاً ناگهانی و دفاعی شکل نمی‌گیرد؛ بلکه به تدریج و بر اثر انباشت نگرانی‌ها ایجاد می‌شود. تاووم اختلالات، نبود اطلاع‌رسانی شفاف و احساس نامنی نسبت به دسترسی به دارایی‌ها، می‌تواند زمینه‌ساز تغییر الگوی نگهداری سرمایه در میان مردم شود.

در چنین شرایطی، نخستین مقصد نقدینگی سرگردان معمولاً بازارهایی مانند طلا و ارز است. بخشی از جامعه نیز ممکن است به سمت استیبل‌کوین‌ها و دارایی‌های دیجیتال حرکت کند. دسترسی ناگزیر سرمایه‌گذاران، بلکه باهدف حفظ امکان دسترسی فوری به دارایی‌ها، این رفتار، در اقتصادی که هم‌زمان با تورم مزمن و نوسانات ارزی روبروست، می‌تواند فشار مضاعفی بر بازارهای موازی وارد کند و انتظارات تورمی را تشدید بدارد.

تکته‌نگران‌کننده‌ان است که اعتماد، بر خلاف سرمایه فیزیکی، به‌سادگی قابل ترمیم نیست. یک بانک یا حتی یک نظام بانکی ممکن است از نظر مالی توان عبور از بحران را داشته باشد، اما اگر افکار عمومی احساس ناامنی کند، بازسازی اعتماد به مراتب دشوارتر و زمان‌بر خواهد بود. تاریخ بحران‌های مالی در کشورهای مختلف نشان داده که از دست رفتن اعتماد، بسیار سریع‌تر از بازگشت آن رخ می‌دهد. **ادامه در صفحه ۲**



به شماره ۳۲۰۵۳۰۰۰ در دسترس شماست

مخاطبان عزیز می‌توانند نظر‌ها، انتقادات و پیشنهادهای خود در مورد مطالب مختلف روزنامه را با ذکر جزئیات به این سامانه پیامک نمایند.